

خبرها

نمایشگاه ۱۵۰۰ قطعه هنری از صفویه تا قاجاریه

به گزارش خبر گزاری مهر: نمایشگاه آثار هنری دوره زندیه و قاجار از تاریخ ۲۹ خرداد تا ۱۰ مرداد در محل مرکز فرهنگی – هنری صبا برقرار است. در این نمایشگاه سه دوره تاریخ ایران صفویه، زندیه و قاجاریه را در آثار هنری مشاهده می‌کنیم. ناصرالدین شاه و کریمخان زند در این مجموعه فرهنگی در کنار هم قرار گرفته‌اند. روزهای اول این نمایشگاه استقبال مردم چنان گسترده بود که با افتتاح نمایشگاه تمام سالن‌ها مملو از جمعیت شد. مکتب‌خانه قدیم که شاهزاده‌خانم در حال درس گرفتن از پیروفرزانه بود، یک اثر منسوب به اسماعیل جلایر، نادرپانو در حال تفکر، زن جقه به دست زمان فتحهعلی شاه از درونمایه‌های این آثار بودند. در این نمایشگاه تصاویر معماری و شهرسازی دوره زند و قاجار نیز به چشم می‌خورد. نمایی از عمارت کلاه فرنگی و برج و باروی اطراف آن، تصویر جنگ کرنال مابین شاه‌اسماعیل صفوی و دولت عثمانی، یک اثر زیبا از محمدخان نقاش باشی نیز عناوین تابلوهای این سالن را تشکیل داده بودند. آثاری که تماماً از موزه کاخ گلستان جمع آوری و برای نمایش در این نمایشگاه به معرض تماشای مخاطبان گذاشته شده بودند. در وسط سالن دوم نمایشگاه ویتترین کوچکی قرار دارد. در این ویتترین سه تابلوی قاب گرفته در قطع کوچک مربوط به نقاشی‌های دوران زند و افشار جلوه می‌فروشند. در گوشه‌ای از یکی از سالن‌های نمایشگاه، اثر زیبایی از صورت شجاع السلطنه پسر فتحعلی‌شاه چشم را نوازش می‌دهد. در کنار آن نیز اثری که هنرمند آن ناشناخته ولی از دوران فتحعلی‌شاه است با تکنیک رنگ و روغن به تصویر کشیده شده است. این اثر «سماع» نام دارد. چهره «فردین» اثر «حاجی آقا جان» که بازمانده از ۱۸ و ۱۹ است نیز با تکنیک رنگ و روغن به نمایش درآمده است.

چهره شاه از دوران «محمد شاه»، «چهره عباس میرزا»، «لیلی و مجنون» بازمانده از دوره ناصرالدین شاه، یک زن و طوطی از دوره فتحعلی‌شاه نیز عناوین دیگر تابلوهای سالن‌های بعدی را تشکیل می‌دهند. هنرمندان این تابلوها تماماً ناشناسند و مثل سایر هنرمندان این عصر با تکنیک رنگ و روغن کار کرده‌اند. در راه‌پله نیز سه اثر با عناوین «مرد سیاه‌پوش»، «بانو و خدمتکار» «مادر و فرزند» به معرض نمایش گذاشته شده بود. این سه اثر از موزه گرجستان برای نمایش در این نمایشگاه به امانت گرفته شده است. نرسیده به سالن‌های طبقه دوم اثری با عنوان «بهار» از «ابوالقاسم اصفهانی» در سال ۱۹۰۲ نصب شده است. این اثر نیز اثر اسالی موزه ملی گرجستان بود که با رنگ و روغن تصویر شده بود. در سالن‌های طبقه دوم مرکز فرهنگی-هنری صبا اثر جاودانه «تکیه دولت» از کمال‌الملک به نمایش گذاشته شده است.

افشار با ۲۷۰ اثر با همکاری «صبا» و دانشکده معمار ی و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی و نقاشی‌های پشت شیشه از مجموعه خصوصی دکتر کازرونی و فریال سلحشور که در مجموع ۱۲۰ اثر را تشکیل داده بودند از جمله آثار به نمایش گذاشته شده هستند.

انقلاب مشروطیت در خارج از کشور

به گزارش ایسنا همایش «سده انقلاب مشروطیت ایران بازنگری گذشته با نگاه به آینده» در روز ۲۳ ژوئیه (اول مرداد) توسط «انجمن سخن» در لندن و با همکاری مدرسه عالی مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن (سواژ) در تالار برونی این دانشگاه برگزار می‌شود. سخنرانی‌های همایش سده انقلاب مشروطیت به زبان فارسی خواهد بود و در موضوعات مختلفی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. «روزنامه نگاری و انقلاب مشروطیت»، «اهمیت کاربردی اسناد آرشیوهای بریتانیا در نگارش تاریخ مشروطیت»، «سیر تحولات ساختاری و اجرایی حکومت‌ها و حکام محلی در ایران قبل و بعد از مشروطیت»، «تحولات اجتماعی و اقتصادی خانواردها در دوره مشروطیت»، «زمینه‌های اقتصادی انقلاب مشروطیت» و «بررسی مصلحتی و نحوه تأثیرگذاری تصنیف‌های عصر مشروطیت» از عناوین سخنرانی‌های این همایش اعلام شده است. برگزارکنندگان این همایش اعلام کرده‌اند که پس از برگزاری آن، مقالات ارائه شده را در پایگاه اینترنتی خود قرار داده و در مرحله بعدی نسخه مفصل این مقالات به همراه دیگر مقالات ارائه شده در همایش را در قالب یک کتاب پژوهشی به زبان فارسی منتشر خواهند کرد.

علاوه بر این همایش یک روزه، همایش دیگری به مدت چهار روز از ۲۰ژوئیه تا ۲ اوت (هفتم تا یازدهم مرداد) درباره انقلاب مشروطیت توسط «بنیاد میراث ایران» در دانشگاه آکسفورد برگزار می‌شود. دیگر برنامه‌های تابستان امسال در لندن در مورد یکصدمین سالگرد انقلاب مشروطیت شامل اجرای یک نمایشنامه با عنوان «انقلاب ایران» در روزهای ۳۱ ژوئیه تا ۵ اوت (نهم تا چهاردهم مرداد) توسط گروه نمایشی «سیمرغ» در شهرهای آکسفورد و لندن و همچنین کنسرت موسیقی آثار مربوط به انقلاب مشروطیت در روزهای ۳۱ژوئیه (نهم مرداد) و ۳ اوت (۱۲ مرداد) در لندن است.

ارتباط با صفحه مشروطه

سایت WWW.100years.ir

پست الکترونیک info@100years.ir

ارسال مقالات article@100years.ir

گزارش سال ۱۳۲۲

در آغاز این سال شادروان الهیار صالح وزیر دارایی، در اعتراض به لایحه اختیارات دکتر مجلسرئیس کل دارایی ایران، استعفا داد. بازاریبان تهران نیز در اعتراض به همین موضوع با تعطیل کردن مغازه‌های خود، به مجلس رفتند. کمبود نان و مواد غذایی موجب شد تا وزارت خواروبار ۲۵ هزار تن گندم از شوری – که سربازانش در ایران بودند- خریداری کند. روس‌ها همچنین به منظور تبلیغات سوسیالیستی، بیمارستانی در تهران به نام «بیمارستان شوری» راه‌اندازی کردند. عشایر فارس که آسیب‌های فراوانی در دوره دیکتاتوری دیده بودند، به رهبری ناصرخان قشقایی دست به شورش زدند و بختیاری‌ها نیز به آنان پیوستند. شورشیان به پادگان سمیرم هجوم بردند و برادرکشی خونینی میان آنان و نظامیان مدافع پادگان اتفاق افتاد. سرهنگ حسنعلی شقاقي فرمانده پادگان نیز در این درگیری کشته شد. در تهران سرلشگر جهانبانی با اختیارات کامل به فرماندهی جنوب منصوب شد هر چه زودتر به آئوب و برادرکشی پایان دهد. وی همراه با خسرو قشقایی به هیات دولت رفت تا با مذاکره و گفت‌وگو غائله را خاتمه دهد. با آمدن ابوالقاسم‌خان بختیاری همراه با مرتضی قلی‌خان مصمص به تهران و دیدار و گفت‌وگو با دولت، پس از چند ماه این آئوب با راه‌حل‌های سیاسی پایان گرفت. در تیرماه این سال، فرمان انتخابات دوره چهاردهم مجلس صادر شد؛ و این در حالی بود که نیروهای بیگانه در خاک ایران بودند و می‌توانستند در سرنوشت انتخابات تأثیر بگذارند. در همین ماه دکتر مجلسیو اعلام کرد که ایران، گران‌ترین کشور جهان است! و این نیز دستاورد آن مدرنیسم پرتشاب و غیرکارشناسانه دوره دیکتاتوری بود! مردمی که نان برای خوردن نداشتند، اما تا بخواهی سینما و تماشاخانه و ستوران شیک اروپایی و یونیفورم‌های نظامی مدل جدید و کلاه شاپروا و لباس فرآک‌ها و . . . داشتند!؛ به قول مرحوم مخبرالسلطنه هدایت، تمدن غرب بر دو پایه استوار بود: تمدن بلورای و تمدن لاپراتواری و آنچه که به ما ایرانیان رسیده بود، تمدن بلورای غرب بود نه تمدن لاپراتواری! جنگ جهانی بارکناری موسولینی از نخست‌وزیری ایتالیا بود، در حال فروکش کردن بود. ایتالیا در شهرپورماه تسلیم شد و نیروهای آلمانی وارد رم شدند. در ۱۷ شهریورماه، دولت ایران نیز به طور رسمی به آلمان اعلام جنگ داد و به این ترتیب هر چند که پیش از این به لحاظ دیپلماتیک به صف متفقین پیوسته بود، اما اکنون به طور عملی نیز به اعلامیه مشترک ملل متحد پیوسته بود. در آذرماه این سال رویداد شگفت‌انگیز دیگری در تاریخ معاصر ایران اتفاق افتاد. تهران مرکز گفت‌وگو و نشست سران متفقین شده بود و به این ترتیب کمی از اشتباهات سیاست خارجی دوره رضاشاه که طرفدارای آن آلمان‌ها و فاشیسم، ایران را تا آستانه نابودی کشانده بود، جبران می‌شد. در چهارم آذرماه، ژوزف استالین نخست‌وزیر و پشوی اتحاد جماهیر شوروی – که اکنون به قهرمان جنگ و جبهه متفقین تبدیل شده بود– همراه با مولوتف، کمیسر – وزیر – امور خارجه و مارشال شریفی و گروهی از بلندپایگان حزب کمونیست (و انش سرخ شوروی، وارد تهران شد. فرای آن روز نیز ونستون چرچیل نخست‌وزیر انگلستان همراه با بدین‌روز امور خارجه و هفتاد نفر از کارشناسان

نظامی و سیاسی، وارد تهران شدند. روزولت رئیس‌جمهور آمریکا نیز همراه با هیات بلندپایه‌ای از همراهان، در همان روز پنجم آذرماه وارد تهران شد. روز ششم آذرماه و کنفرانس سران سه کشور متفقین در تهران، بی‌تردید روزی جهانی است که در تاریخ همه ملت‌ها ثبت شده است. در حقیقت، در همین کنفرانس بود که نه تنها سرنوشت جنگ، بلکه سرنوشت جهان پس از جنگ نیز رقم زده شد. سران سرپاده‌ای غرب و غول‌های کاپیتالیسم به تهران محنت‌زده آمده بودند تا در برابر دیدگان مردم فقیر و گرسنه آن، با کمونیسم طرفدار محرومان، اتحاد جنگی علیه فاشیسم ببینند و کار جنگ را یکسره کنند. در این کنفرانس همچنین مراسم اعطای شمشیر استالینگراد از سوی چرچیل به استالین نیز باشکوه فراوان برگزار شد و به مناسبت شصت و نهمین سالروز تولد چرچیل، جشن تولد مفصلی در سفارت انگلستان در تهران برپا شد. در پایان این کنفرانس، سران جبهه متفقین اعلامیه‌ای صادر و در آن از همکاری ایران سپاسگزاری کردند و حفظ استقلال و تمامیت ارضی آن را به رسمیت شناختند و اعلام کردند که با این طبق منشور آتلانتیک رفتار خواهد شد و سرانجام سران سه کشور در ۱۰ آذرماه تهران را به سوی کشورهایشان ترک کردند. در این سال همچنین نیزروهای

نظامی و سیاسی، وارد تهران شدند. روزولت رئیس‌جمهور آمریکا نیز همراه با هیات بلندپایه‌ای از همراهان، در همان روز پنجم آذرماه وارد تهران شد. روز ششم آذرماه و کنفرانس سران سه کشور متفقین در تهران، بی‌تردید روزی جهانی است که در تاریخ همه ملت‌ها ثبت شده است. در حقیقت، در همین کنفرانس بود که نه تنها سرنوشت جنگ، بلکه سرنوشت جهان پس از جنگ نیز رقم زده شد. سران سرپاده‌ای غرب و غول‌های کاپیتالیسم به تهران محنت‌زده آمده بودند تا در برابر دیدگان مردم فقیر و گرسنه آن، با کمونیسم طرفدار محرومان، اتحاد جنگی علیه فاشیسم ببینند و کار جنگ را یکسره کنند. در این کنفرانس همچنین مراسم اعطای شمشیر استالینگراد از سوی چرچیل به استالین نیز باشکوه فراوان برگزار شد و به مناسبت شصت و نهمین سالروز تولد چرچیل، جشن تولد مفصلی در سفارت انگلستان در تهران برپا شد. در پایان این کنفرانس، سران جبهه متفقین اعلامیه‌ای صادر و در آن از همکاری ایران سپاسگزاری کردند و حفظ استقلال و تمامیت ارضی آن را به رسمیت شناختند و اعلام کردند که با این طبق منشور آتلانتیک رفتار خواهد شد و سرانجام سران سه کشور در ۱۰ آذرماه تهران را به سوی کشورهایشان ترک کردند. در این سال همچنین نیزروهای

هر چه خوردی بس است

پر از هراس و دلوهی می‌گشت و هر لحظه ممکن بود برخورد و رویارویی ناهای اتفاق افتد. در این روزها حاج شیخ‌محمد واعظ یکی از خطیبان مشهور تهران همه روزه در محله سرپولک به منبر می‌رفت و از عین‌الدوله و خودکامگی او سخن‌ها می‌گفت.

۲۳ خرداد

امروز اعلامیه‌ای ژولتانیست که به دست کوشندگان در انجمن‌های سری نوشته و تکثیر شده بود، در تهران پخش شد. در این اعلامیه آمده است: «اگرچه بعد از دو سال نباید در تهران یا سایر بلدان، مقاصد آقایان بر کسی پوشیده و مجهول باشد؛ ولی چون وزرای خان دولت هر روز برای ترویج باطل خود و پیشرتف نکردن مقاصد آقایان تدبیری می‌کنند: گاهی در نظر مردم جلوه می‌دهند که آقایان به گرفتن پول ساکت شدند، گاهی می‌گویند که گرفتن مدرسه‌خان (مرو) مصالحه کردند، گاهی می‌گویند مقصود آقایان جمهوری یا مشروطه شدن دولت است، گاهی بر زیاد کردن سرباز و اذیت کردن مردم می‌کنند، علمای اعلام را می‌ترسانند و مردم را از متابعت ایشان می‌خواهند بازدارند. مردم بیچاره به جهت کثرت پزیشانی، شاید بعضی اوقات مبهوت و متحیر شوند. من نگارنده خوارتمن مقصد آقایان را باز بیان کنم تا همه بدانند: ایها الناس! عدالت عبارت است از اینکه هر چه جز، به مقام، چه سلطنت، چه وزارت، چه حکومت، چه تجارت، چه زراعت، چه سیاست به طریقی که خدا و رسول فرموده‌اند بیرون برد تا در جای امنی نگهداری کند. روزهای پلانی خورده‌اند

صد روز تا صدمین سال انقلاب مشروطه ■ شماره ۳۷



انتخابات در ایران اشغالی

حسن مرسل‌وند

متفقین در ایران، دست به بازداشت گروهی از رجال و دولتمردان و افسران ارتش و کارکنان بنگاه راه‌آهن دولتی ایران و برخی روزنامه‌نگاران ایرانی زدند. آنان معتقد بودند که این افراد با آلمان‌ها همکاری کرده‌اند و ستون پنجم نازی‌ها در ایران بوده‌اند. در میان بازداشت‌شدگان دکتر احمد متین‌دفتری نخست‌وزیر پیشین هوادار آلمان‌ها، دکتر محمد سجادی وزیر پیشین، علی هیئت رئیس شعبه دیوان عالی کشور، امیرهمایون بوشهری، جعفر شریف‌امامی، علی‌اکبر موسوی‌زاده رئیس دیوان کifer، سرلشگر آقا اولی، سرلشگر ابوالحسن پورزند، سرتیپ صادق کویال–سرهنگ منوچهری–سپهبد بهرام آریانا–در آینده سرهنگ بقایی–، سرهنگ باتماقلیچ و سرلشگر فضل‌الله زاهدی –نخست‌وزیر کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲– فرمانده لشکر اصفهان دیده می‌شدند. در دی‌ماه این سال آیت‌الله شریعت سنگلجی از روحانیون سرشناس تهرانی درگذشت. همچنین در این ماه سلیمان میرزا اسکندری رهبر سوسیالیست‌ها و نماینده چند دوره مجلس و وزیر معارف کابینه سردار سبه که پس از شهریور ۱۳۲۰ رهبری حزب توده را بر عهده داشت، درگذشت. وی همواره سوسیالیستی رادیکال بود و در چپ‌ترین اندیشه‌های سیاسی، پیشرو بود. از شگفتی‌ها این که

وی مردی مسلمان بود که مبانی دینی را همیشه رعایت می‌کرد. نوشته‌اند که در جلسات کمیته مرکزی حزب توده، همین که وقت نماز می‌شد، جلسه را برای ادای فرضه نماز ترک می‌کرد. در تشییع جنازه وی و سپس در سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی، حزب توده نمایش قدرتی از خود نشان داد و این مراسم را باشکوه فراوان برگزار کرد. در ماه‌های پایانی این سال، انتخابات دوره چهاردهم برگزار شد و دکتر محمد مصدق و ده وکیل دیگر از تهران به نمایندگی برگزیده شدند. شگفت‌آور این است که سیدضیاءالدین طباطبایی پس از ۲۲ سال دوری از مهن، از یزد به پشتیبانی همان نیروهایی که در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ وی را به رئیس‌الوزاری رساندند، به نمایندگی دوره چهاردهم رسید. در مجلس چهاردهم، هر چند که دیگر رضاشاه نبود تا نمایندگی به جای مردم انتخاب کند، ولی نیروهای متفقین بودند! با نگاهی به ترکیب نمایندگان این دوره درخواستیم یافت که فراکسیونی از هواداران انگلیسی‌ها و فراکسیونی از هواداران شوروی و بخشی نیز از رجال باقی مانده از دوران دیکتاتوری و تک و توک نمایندگی نیز به انتخاب مردم واردمجلس شده بودند. در آغاز کار مجلس، فراکسیون حزب توده و دکتر محمد مصدق به اعتبارنامه سیدضیاءالدین به شدت اعتراض کردند. هواداران سیدضیاء، مخالفت حزب توده را دستاویز قرار دادند و این عده‌ا این آئوب با راه‌حل‌های همین روی دکتر مصدق از فراکسیون حزب توده خواست تا برای خلع سلاح عوام‌فریبانه سید و هوادارانش، آنها مخالفت خود با اعتبارنامه او را پس بگیرند. توده‌ای‌ها نیز چنین کردند و دکتر مصدق به مبارزه با طرح اعتبارنامه پرداخت. وی تاریخچه‌ای از کودتای سوم اسفند بیان کرد و آشکارا دولت انگلستان را به پشتیبانی از کودتا و روی کار آوردن سیدضیاءالدین و رضاخان متهم کرد. وی به دوران سیاه دیکتاتوری رضاشاه، اشاره کرد و آن را زایلیده

پشتیبانی انگلیسی‌ها دانست. دکتر سیدضیاءالدین نیز سخنانی به دفاع از خود گفت و پس از رای گیری، اعتبارنامه وی به تصویب رسید. پیش از این گفتیم که سیاست انگلستان در این مجلس، جای پای داشت! آنچه که مایه عبرت است اینکه با وجود آن همه تضاد و برخوردی که میان دکتر محمد مصدق و سیدضیاءالدین طباطبایی وجود داشت، دکتر مصدق نخستین کسی بود که تصویب شدن اعتبارنامه سید را به وی تبریک گفت! ازی ساسیون ما پیش از آن که حزب توده ادبیات خشن روسی را وارد حوزه سیاست کند، اینچنین با دشمنان سیاسی خود رفتار می‌کرد!ا! همچنین به ماه‌های پایانی، دادگاه‌عالی جنایی تهران، رای خود را در مورد آدمکشان نظمیه دوره رضاشاهی صادر کرد. پزشک احمدی برای قتل عمدی جعفر قلی اسعد– سردار اسعد‌دوم– و قتل عمدی دکتر فرخی یزدی به اعدام محکوم شد و سرهنگ نیرومند برای قتل عمدی مهدی‌الله زاهدی– و همکاران و مباشرت در قتل فرخی یزدی به حبس ابد و رکن‌الدین مختاری – رئیس نظمیّه دوره رضاشاه– نیز به ده سال زندان و سرهنگ راسخ به شش سال زندان محکوم شدند. این گزندترین احکامی بود که صادر آن جنایتکارانی که ۱۶ سال تسه از گزندملی کشیده بودند، صادر شد. متوجه‌تر از رضاشاه‌زدی! کاسته شد و محکوم نیز با بقو با بخشودگی دوباره به آغوش دربار تازه که می‌رفت تا با جای پای دیکتاتوری پیشین گذارد، بازگشتند.

اتابک و امیربهادر نمک به حرام بگویند: اگر خیال کرده‌اید به این تدبیرات، آقایان را از کار خود بازدارید، مایوس باشید، که هرگز نخواهد شد. اگر می‌خواهید این مردم مسلمان و مسلمان‌زادگان را از متابعت پشوپایان دین خود برگردانید، هرگز نمی‌توانید. . . . امروز هر چه خوردی، بس است! بترس! در زدیدی، بس است! بترس! از آن روزی که آقایان به حکم خدا و رسول بگویند و بخند

بویستند که شماها مهدرالدم هستید. . . آخر ای حضرت والا! ای بی‌رحم بی‌دیانت! این همه که خوردی و بردی و جمع کردی، بس نیست؟ هنوز چشمت به این چهار شاخی است که از نان و گوشت به‌دست یابوری؟ چقدر بی‌رحمی؟ چقدر بی‌حایی؟ اگر خدایپرست هستی، این مردم بیچاره بندگان خدا هستند. اگر شاه‌پرستی، این بیچاره‌هارعیت این پادشاه هستند. «این شب‌نامه بی‌اعضانشان می‌دهد که امروز و فردا کردن عین‌الدوله برای نابیس عدالتخانه یا مجلس شورئی، شایعانی را مبنی بر سازش سران روحانی جنبش، در میان توده‌ها پدبدی آورده بود و تلاش می‌کند تا بدان شایعات پاسخ دهد.

سید مقتول در چهارشنبه گذشته به روی آن بسته بوده گرهم جمع شده و «حسین، حسین» گویی و سینه‌زنی می‌پردانند. سید عبدالله می‌گوید آنها را رام کند، لیکن موفق نمی‌شود. به زودی دسته‌ای تشکیل می‌شود تا ضمن تظاهراتی پیراهن سید را در بازارها بگردانند. سربازها می‌گویند از تظاهرات ممانعت کنند و چون می‌بینند که بدون توسل به زور از پی‌شوری جمعیت نمی‌توان جلوگیری کرد، فرمانده این فرمان‌آتش می‌دهد. در حدود دوازده تن از جمله یک پیش نماز معروف– به نام سید مصطفی – و چند سید دیگر کشته می‌شوند. آشوبی در می‌گیرد و عده‌ای سرباز در این گیر و دار و همچنین در آشوب روز یازدهم جاری کشته شده‌اند. روایات درباره تعداد کشته‌شدگان تفاوت بسیار دارد. غروب سیزدهم سید عبدالله روی منبر می‌رود و ضمن نشان دادن دست‌خط شاه و ابراز این مطلب که نظم‌م خواهی او با گلوله پاسخ داده شده است قرآنی به روی دست می‌گیرد و مردم را سوگند می‌دهد تا نظم را مراعات کنند و روز بعد مغازه‌ها را باز نمایند. در تمام مدت دیروز مذاکرات بین دولت و علما ادامه داشت و ظاهراً مذاکرات بر محور برکناری صدراعظم دور می‌زده است. هم‌اکنون که سرگرم نوشتن این نامه هستم، شنیدم که مجتهدین بزرگ همچنان در مسجد جمعه هستند و سپاهیان آنها را در محاصره گرفته و ارتباط آنها را با خارج قطع کرده‌اند. بنا به دستور علما بار دیگر مغازه‌ها تعطیل شده است. به قرار اطلاع، گمرک و تلگراف‌خانه بسته است. بی‌شک تعطیل تلگراف‌خانه برای جلوگیری از گسترش خبر اغتشاشات پایتخت به شهرستان‌ها بوده است. گمان نمی‌رود که صدراعظم پس از کشته شدن چند نفر سید و رضایت دادن او به چنین امری بتواند مقام خود را حفظ کند.

سال سوم ■ شماره ۷۹۶ *شرق*

نگاه

مهمترین نقاط ضعف جریان روشنفکری در ایران

سیدمجتبی هاشمی*

جریان روشنفکری در ایران برای تحقق آرمان‌ها و اهداف خود فاقد صبر و پایداری لازم است. بسیاری از آنان قصد دستیابی به بالاترین آرمان‌ها و ارزش‌ها را در کوتاه‌ترین مدت دارند. بسیاری از روشنفکران همانند دون پایه‌ترین فعالان حزبی و سیاسی عمل می‌کنند. بسیاری از مفاهیم را بدون فرهنگ سازی و یافتن بستر مناسب وارد جامعه می‌کنند. در حالی که جامعه با بسیاری از پیش نیازهای این عوامل بیگانه است و در نتیجه حتی به فرض عمل بر طبق این یافته‌ها به جای حرکت رو به جلو با پسرقت روبه‌رو خواهد شد. در اثر همین امر روشنفکران وارد ائتلاف‌ها و همکاری سیاسی با فعالان سیاسی و در نتیجه وارد درگیری‌های سیاسی می‌شوند که در اکثر موارد قدرتمندان از آنان به عنوان ابزاری برای نیل به اهداف خویش بهره گرفته‌اند تا وقتی اثرات منفی اقدامات آنان مشخص شد، در نهایت جامعه رویاروی با روشنفکران قرار گیرد. از دیگر ضعف‌های روشنفکران ما فقدان کانال ارتباطی مشخص و کارآمد برای ارتباط با مردم است. این قشر نتوانسته و یا نتوانسته‌اند از ابزار مفید و در دسترس برای این امر بهره گیرند.

از سوی دیگر عدم درک موقعیت و شناخت اجتماع موجب شده که دچار کندروی و تا نددروی شوند. در زمان وجود آزادی نسبی چپ‌ترین اندیشه‌ها را داشته اما در زمان سختی و بسته بودن فضای سیاسی کنج عزلت گزیده و حافظ و مولانا بخوانند؛ در نتیجه همواره یک گام از روند تحولات عقب باشند، به نحوی که نه تحول‌ساز که خود دنباله‌رو تحولاتی باشند که حتی در مدیریت آن نیز نتوانند.

نقد و بررسی عملکرد گذشته را فراموش و اگر به آن نیز اقدام می‌کنند به جهت رفع مسئولیت و از روی بعضی اجبارها و انداختن اشتباهات به گردن این و آن است.

جریان روشنفکری نخواسته یا نتوانسته به عنوان جریان مستقل و پویا عمل کند، بلکه همواره موفقیت و بقا را در نزدیکی به این یا آن نهاد قدرت سیاسی جست‌وجو کرده است.

تحقیر و کوچک شمردن مردم که حاصل همین نزدیکی به نهادهای قدرت از سوی بعضی از آنان بوده است که علاوه بر سلب استقلال، آنان را رودررو با مردم نه به صورت مستقیم که غیرمستقیم قرار داده است که در شکل دوری گزیدان از مردم، سعی در تعیین تکلیف کردن برای آنها، خودداری از شنیدن صدای مردم و . . . بروز یافته است. به دلیل اینکه روشنفکران مردم را حقیر و یا حتی دشمن خویش می‌پندارند این کار بدخواهان را برای ضربه زدن به آنان راحت کرده است.

بعضی از روشنفکران علاج دردهای جامعه را در نفی هر آنچه در گذشته بوده می‌دانند و به نوعی معتقد به یک جراحی سخت برای درمان دردها هستند در حالی که می‌توان همین دردها را بدون ایجاد حساسیت با کمک همین مردم در پرومه‌ای هر چند طولانی‌تر اما مطمئن‌تر انجام داد.

***سردیر دو هفته نامه طلوع قایبات**

کتاب شناسی

وثوق‌الدوله

محمود فاضلی: کتاب «وثوق‌الدوله» نوشته ابراهیم صفایی در سال ۱۳۲۷ از سوی انتشارات «کتاب سرا» انتشار یافته است. وثوق‌الدوله که در سال ۱۲۵۴ ش در تهران متولد شد علاوه بر فراگیری تعداد زبان فارسی به تحصیل صرف و نحو، معانی بیان، حکمت و الهیات پرداخت و به تحصیل زبان انگلیسی و فرانسه اهتمام ورزید. در کتاب ۱۹۲ صفحه‌ای وثوق‌الدوله زندگی‌نامه کامل وی، همگامی وی با نهضت مشروطی، حضور وی در مجلس و تأیبات مجلس، مواضع وی بر سرند وزارت، نامه‌های وی به دربار، اولتیماتوم دولت امپراتوری روس و مشکلات وثوق‌الدوله، دشواری‌های وی، فعالیت وثوق‌الدوله در وزارت امور خارجه و سپس کناره‌گیری نامبرده از این وزارتخانه، در زمینه‌دانشکده معارف، مسافرت و اقامت وی در اروپا به برکت تقدیده فراوانی که طی دوران صدارت و وزارت به دست آورده بود و در نهایت بازگشت وی به ایران در آخرین سال‌های زندگی مورد بررسی‌نویسنده قرار گرفته است.

تاریخ استقرار مشروطیت در ایران

کتاب «تاریخ استقرار مشروطیت در ایران» نوشته حسن معاصر منتشره از سوی انتشارات «ابن‌سینا» از جمله کتاب‌هایی است که در زمینه مشروطیت نوشته شده است. به موجب قانون حفظ اسناد دولتی انگلیسنامه مصوب سال ۱۹۵۸ (و این که پس از گذشت ۵۰ سال مطالعه و انتشار آن برای عامه امکانپذیر است، این کتاب به نگارش درآمده است. نویسنده مطالعه خود را از اواخر سلطنت مظفرالدین‌شاه در سال ۱۲۸۴ به فاصله کمی پس از صدور فرمان مشروطیت آغاز کرده و مبدأ آن مقارن حرکت مظفرالدین‌شاه از روسیه به اروپا است، که پس از مراجعت از سومین مسافرت وی به اروپا، نفرت مردم از مظالم و تهدیدات روز افزون دستگه‌ها دولت و حکام رژیم استبدادی و فساد دستگاه هیات حاکمه آغاز و نتیجتاً با توسعه انقلاب متنبه به استقرار مشروطیت شد. نویسنده ادعا کرده است کتاب یکی از کامل‌ترین تاریخ مستند وقایع انقلاب و قیام مردم برای برانداختن حکومت جابریانه استبدادی دوره قاجاریه و استقرار مشروطیت در ایران است که تمام وقایع و پشامدهای مهم و موثر روز را که به طور مرتب همزمان با سیر حوادث روز به روز ثبت و ضبط کرده و مسائل مهم بسیاری را روشن می‌نماید.



صد نکته

آرمان‌ها و ارزش‌ها را در کوتاه‌ترین مدت دارند. بسیاری از روشنفکران همانند دون پایه‌ترین فعالان حزبی و سیاسی عمل می‌کنند. بسیاری از مفاهیم را بدون فرهنگ سازی و یافتن بستر مناسب وارد جامعه می‌کنند. در حالی که جامعه با بسیاری از پیش نیازهای این عوامل بیگانه است و در نتیجه حتی به فرض عمل بر طبق این یافته‌ها به جای حرکت رو به جلو با پسرقت روبه‌رو خواهد شد. در اثر همین امر روشنفکران وارد ائتلاف‌ها و همکاری سیاسی با فعالان سیاسی و در نتیجه وارد درگیری‌های سیاسی می‌شوند که در اکثر موارد قدرتمندان از آنان به عنوان ابزاری برای نیل به اهداف خویش بهره گرفته‌اند تا وقتی اثرات منفی اقدامات آنان مشخص شد، در نهایت جامعه رویاروی با روشنفکران قرار گیرد.

از دیگر ضعف‌های روشنفکران ما فقدان کانال ارتباطی مشخص و کارآمد برای ارتباط با مردم است. این قشر نتوانسته و یا نتوانسته‌اند از ابزار مفید و در دسترس برای این امر بهره گیرند.

از سوی دیگر عدم درک موقعیت و شناخت اجتماع موجب شده که دچار کندروی و تا نددروی شوند. در زمان وجود آزادی نسبی چپ‌ترین اندیشه‌ها را داشته اما در زمان سختی و بسته بودن فضای سیاسی کنج عزلت گزیده و حافظ و مولانا بخوانند؛ در نتیجه همواره یک گام از روند تحولات عقب باشند، به نحوی که نه تحول‌ساز که خود دنباله‌رو تحولاتی باشند که حتی در مدیریت آن نیز نتوانند.

نقد و بررسی عملکرد گذشته را فراموش و اگر به آن نیز اقدام می‌کنند به جهت رفع مسئولیت و از روی بعضی اجبارها و انداختن اشتباهات به گردن این و آن است.

جریان روشنفکری نخواسته یا نتوانسته به عنوان جریان مستقل و پویا عمل کند، بلکه همواره موفقیت و بقا را در نزدیکی به این یا آن نهاد قدرت سیاسی جست‌وجو کرده است.

تحقیر و کوچک شمردن مردم که حاصل همین نزدیکی به نهادهای قدرت از سوی بعضی از آنان بوده است که علاوه بر سلب استقلال، آنان را رودررو با مردم نه به صورت مستقیم که غیرمستقیم قرار داده است که در شکل دوری گزیدان از مردم، سعی در تعیین تکلیف کردن برای آنها، خودداری از شنیدن صدای مردم و . . . بروز یافته است. به دلیل اینکه روشنفکران مردم را حقیر و یا حتی دشمن خویش می‌پندارند این کار بدخواهان را برای ضربه زدن به آنان راحت کرده است.

بعضی از روشنفکران علاج دردهای جامعه را در نفی هر آنچه در گذشته بوده می‌دانند و به نوعی معتقد به یک جراحی سخت برای درمان دردها هستند در حالی که می‌توان همین دردها را بدون ایجاد حساسیت با کمک همین مردم در پرومه‌ای هر چند طولانی‌تر اما مطمئن‌تر انجام داد.

کتاب شناسی

وثوق‌الدوله

محمود فاضلی: کتاب «وثوق‌الدوله» نوشته ابراهیم صفایی در سال ۱۳۲۷ از سوی انتشارات «کتاب سرا» انتشار یافته است. وثوق‌الدوله که در سال ۱۲۵۴ ش در تهران متولد شد علاوه بر فراگیری تعداد زبان فارسی به تحصیل صرف و نحو، معانی بیان، حکمت و الهیات پرداخت و به تحصیل زبان انگلیسی و فرانسه اهتمام ورزید. در کتاب ۱۹۲ صفحه‌ای وثوق‌الدوله زندگی‌نامه کامل وی، همگامی وی با نهضت مشروطی، حضور وی در مجلس و تأیبات مجلس، مواضع وی بر سرند وزارت، نامه‌های وی به دربار، اولتیماتوم دولت امپراتوری روس و مشکلات وثوق‌الدوله، دشواری‌های وی، فعالیت وثوق‌الدوله در وزارت امور خارجه و سپس کناره‌گیری نامبرده از این وزارتخانه، در زمینه‌دانشکده معارف، مسافرت و اقامت وی در اروپا به برکت تقدیده فراوانی که طی دوران صدارت و وزارت به دست آورده بود و در نهایت بازگشت وی به ایران در آخرین سال‌های زندگی مورد بررسی‌نویسنده قرار گرفته است.

تاریخ استقرار مشروطیت در ایران

کتاب «تاریخ استقرار مشروطیت در ایران» نوشته حسن معاصر منتشره از سوی انتشارات «ابن‌سینا» از جمله کتاب‌هایی است که در زمینه مشروطیت نوشته شده است. به موجب قانون حفظ اسناد دولتی انگلیسنامه مصوب سال ۱۹۵۸ (و این که پس از گذشت ۵۰ سال مطالعه و انتشار آن برای عامه امکانپذیر است، این کتاب به نگارش درآمده است. نویسنده مطالعه خود را از اواخر سلطنت مظفرالدین‌شاه در سال ۱۲۸۴ به فاصله کمی پس از صدور فرمان مشروطیت آغاز کرده و مبدأ آن مقارن حرکت مظفرالدین‌شاه از روسیه به اروپا است، که پس از مراجعت از سومین مسافرت وی به اروپا، نفرت مردم از مظالم و تهدیدات روز افزون دستگه‌ها دولت و حکام رژیم استبدادی و فساد دستگاه هیات حاکمه آغاز و نتیجتاً با توسعه انقلاب متنبه به استقرار مشروطیت شد. نویسنده ادعا کرده است کتاب یکی از کامل‌ترین تاریخ مستند وقایع انقلاب و قیام مردم برای برانداختن حکومت جابریانه استبدادی دوره قاجاریه و استقرار مشروطیت در ایران است که تمام وقایع و پشامدهای مهم و موثر روز را که به طور مرتب همزمان با سیر حوادث روز به روز ثبت و ضبط کرده و مسائل مهم بسیاری را روشن می‌نماید.

^[1] در حالی که جامعه با بسیاری از پیش نیازهای این عوامل بیگانه است و در نتیجه حتی به فرض عمل بر طبق این یافته‌ها به جای حرکت رو به جلو با پسرقت روبه‌رو خواهد شد

^[2] در حالی که جامعه با بسیاری از پیش نیازهای این عوامل بیگانه است و در نتیجه حتی به فرض عمل بر طبق این یافته‌ها به جای حرکت رو به جلو با پسرقت روبه‌رو خواهد شد